جام جم
jamejamdaily.ir
ویژه فرهنگ



گفت‌وگو با مسعود اطیابی، کارگردان

هشدار «هتل» به بروز بحران در بنیان خانواده

۱۰

سعید علامیان، نویسنده جبهه فرهنگی مقاومت در گفت‌وگو با «جام جم» مطرح کرد

غزه، سنگ محک وجدان هنرمندان



۱۱

یعقوب توکلی، محقق و مورخ از اهمیت آگاهی‌بخشی از طریق سریال‌های تلویزیونی می‌گوید

ضرورت تولید سریال‌های راهبردی در عصر شبهات تاریخی



۸

گفت‌وگوی «جام جم» با رضا توکلی بازیگر سریال «محرمانه»

هنرمندان پیشکسوت خانه‌نشین شده‌اند



۷

یادداشت

مهیار مهرآذر | پژوهشگر

ذائقه موسیقایی جوانان را دریابیم



اخیرا یک موسیقی به‌نام «دافی سورپرایز» در فضای مجازی منتشر شده که با واکنش‌های گوناگونی از سوی اهالی فرهنگ، هنر و رسانه مواجه شده است که از جهات گوناگون جای بحث و تحلیل دارد.

به لحاظ محتوایی باید گفت پیام‌هایی از این دست که در قالب‌های موسیقایی مورد توجه جوانان و نوجوانان با ساختار رپ یا دیگر اشکال مورد توجه جامعه هدف منتشر و فراگیر(ترند) می‌شود، نه تنها ضدتبلیغ بوده بلکه مبلغ فساد و نوعی هنجارشکنی است.

تولید چنین محتواهایی، خواسته یا ناخواسته، آگاهانه یا ناآگاهانه، عامدانه یا عاملانه، منتج به تزلزل فکری نوجوانان و انحراف ناخواسته آنان از هنجارهای سلامت معمول در جامعه می‌شود.

شاید قصد اولیه حامیان و بانیان مالی موسیقی دافی، تنها تمتع سرمایه بیشتر بوده و در نگاه اول صرفا یک موزیک بامزه یا به تعبیر جوانان فان بوده ولی اشاره مستقیم شاعر ضعیف آن به واژگانی که محرک استعمال مواد مخدر و الکل بوده و بدتر از آن، تاکید داف بودن نوجوانان حتی زیر سن قانونی، نشان از بی‌تعهدی حامیان مالی و تولیدکنندگان موسیقی به شاخص‌های سلامت جامعه و خانواده است.

دستکاری قوه خیال و شماتیسم افراد که برگرفته از عقل ابزاری و منفعت‌طلب حاصل از تفکر سرمایه‌داری است، بهره‌برداری غیرمنصفانه از جامعه‌ای است که به‌صورت تفنن به آن موضوع جذاب که مثلا موسیقی با ریتم تند نام دارد، نگاه کرده و تکرارش می‌کنند.

بنابراین باید گفت این مقوله زنگ خطری است برای حریم خانواده‌ها و همچنین برای سکانداران عرصه موسیقی که به میدان آمده و دست به‌کار شوند.

در حالی‌که جهان فناوری و هر آنچه در آن است متأثر از عصر اطلاعات و بروز و ظهور جهان وب ۳، ۴ و در آینده وب ۵، سرعتی باورنکردنی یافته، این توقع که همه مخاطبان نوجوان و جوان را پایبند ریتم کُند با تمپوی پایین موسیقی‌های ایرانی بنماییم، توقعی دور از واقعیت است.

کما اینکه در سال‌های اخیر شاهد تولید موسیقی‌های جذاب ایرانی با تنظیمی خاص و اجراهایی متفاوت هستیم؛ شاهد مثال آن موسیقی متن فیلم آرایش غلیظ ساخته هنرمند خلاق آقای سهراب پورناظری و خوانندگی فوق‌العاده جناب همایون شجریان است.

چنانچه سال‌های اخیر بیش از پیش مشاهده می‌شود که حتی در مراسم مذهبی یا اعیاد اهل بیت علیهم‌السلام جوانان به عزاداری یا شادی با ریتمی تند، گرایش بیشتری دارند.

توجه به علایق موسیقایی طیف وسیعی از نوجوانان و جوانان جامعه تکلیفی است که بر ذمه اهالی موسیقی است.

پرداختن به گونه‌های موسیقایی مختلف و برآورده ساختن نیازهای موسیقی جوان امروز امری اجتناب‌ناپذیر بلکه ضروری است.

ساختارشکنی تا جایی که آسیبی به هنجارها و حریم و حرمت جامعه و خانواده وارد نکند، نه‌تنها بغرنج و غامض نبوده بلکه ضرورت عصر امروز است.

وجود حلقه‌های مفقوده‌ای چون موسیقی سالم با ضرباهنگ و تندایی بالا(تمپوی بالا) که مقبول ذائقه هیجانی و نشاط جوانی است، منتج به ترند شدن موسیقی‌هایی مانند موسیقی دافی می‌شود.

تولید و توزیع موسیقی با نشاط به جامعه، امکان انتخاب سره از ناسره و سالم از ناسالم را به مخاطب می‌دهد.

مخاطب و جامعه هدف نوجوان یا جوان با کارشناسی به‌دنبال محتوای منتشره نمی‌رود، چارچوب‌های جذابیت را دنبال می‌کند اما این‌که چند درصد از این چارچوب‌ها بایسته و شایسته در تولید اثر به‌کار گرفته شده‌اند، امری است که شاید اشرافی به آن ندارند و این وظیفه برعهده نخبگان موسیقی است.

مخاطب برگزیده من در این مقوله آهنگسازان جوان و پرشوری هستند که ذائقه مخاطب جوان را بهتر می‌شناسند.

شایسته است که در عرصه حاضر شوند و به آهنگسازی و تنظیم‌های خلاقانه با رویکردی نو و پرتحرک و جوان‌پسند که هم به لحاظ فنی قابل دفاع باشد و هم به لحاظ محتوا پسندیده، بپردازند. نشود که دیر شود!

زاویه دید

سعید مستغاثی | مستندساز و کارشناس سینما

بخش چهاردهم

روایت تاریخ از کارنامه روحانیت

روحانیت علیه استعمار



اگر علما و روحانیون اسلام در زمانی با تاسیس حوزه‌های علمیه و مدارس و دانشگاه‌ها و کتابخانه‌ها و... و با نشر کتاب و دانش و هنر به رواج علم و فرهنگ و تمدن پرداختند و حتی در دوران تهاجم مغول و در سرزمین‌های دیگر نیز از این کار بازنماندند و در زمانی دیگر، در کنار حکومتی مدعی دین و پیروی از اهل‌بیت(ع)، مصادری همچون شیخ‌الاسلامی و مفتی و امامت جمعه و جماعت و خاتم‌المجتهدینی را پذیرفتند و خمس و زکات مومنین را سامان دادند و سهم امام گرفتند و حدود شرعی را جاری کردند، اما در یک دوران که همان دشمنان قدیمی در قالب استعمار کهنه و نو، سرزمین‌های اسلامی را عرصه تاخت‌وتاز خویش قرار دادند، دیگر به درس و بحث و تبلیغ و حد شرعی بسنده نکردند، گره لباس محکم نمودند و به‌طور مستقیم وارد مبارزات به‌اصطلاح سیاسی و مقابله رودررو با استعمارگران و متجاوزان و اشغالگران شدند. در این دوران آنها با اعلامیه و بیانیه و فتوا و حکم جهاد و اختصاص سهم امام و تعطیلی دروس حوزه و ترغیب و تکلیف مردم به اعتراض و تظاهرات و... مانند رهبری تمام‌عیار در میدان مبارزات سیاسی وارد میدان شدند، آن‌هم در دورانی که اغلب مدعیان آزادی و مبارزه و استقلال یا در گوشه‌ها خزیده بودند یا دست همکاری به ظالم و متجاوز و اشغالگر می‌دادند. چنین رویکردی در میان علما و روحانیون اسلام به‌خصوص پس از دوران صفویه و به شهادت رسیدن عده‌ای از همین عالمان توسط دار و دسته اشرف افغان و بعد از آن بدرفتاری نادرشاه با روحانیت رواج یافت و به‌رغم حضور بعضی مراجع تقلید مانند ملا احمد نراقی و میرزای قمی و خواجوی و... اما ثقل مرجعیت اسلام همچون وحید بهبهانی و میرزای شیرازی و... به عراق و حوزه علمیه نجف منتقل شد.

از این پس روحانیون و علمای اسلام پس از ۱۲ قرن مجاهدت علمی و آموزشی و تبلیغی در مقابل پدیده شومی به‌نام استعمار قرار گرفتند. در اینجا نیز همان فقه اسلامی به کمک و یاری مسلمانان آمد. فقهی که در تمام دوران غیبت حضرت ولی‌عصر(عج) پیروان او و اهل‌بیت(ع) را از هرگونه انحراف و اعوجاج بازداشته بود و در یک مسیر پرفرازونشیب تاریخی و اجتماعی و اعتقادی برای زمینه‌سازی حکومت حضرت حجت(عج) حفظ و حراست کرده بود. اینک نیز یک قاعده فقهی که از اعماق کتب فقهی اسلامی برآمده بود، راه را برای ملت اسلام و علما و روحانیون باز کرد. قاعده‌ای برگرفته از همان کتبی که در طول بیش از هزار سال براساس کلام... مجید و احادیث و روایات ائمه اطهار(ع) و عقل و اجماعی که همواره در دین و سنت پیامبر بر آن تاکید گردیده، تحریر شده بود. همان کتبی که بارها توسط شاگردان امروز و اساتید فردا مورد حاشیه‌نگاری و شرح و بسط قرار گرفته بود.[1]



قاعده فقهی نفی سبیل فراراه مبارزات روحانیت انقلابی

این قاعده فقهی به قاعده «نفی‌سبیل» معروف بود که براساس آیه شریفه «لن یجعل ا... للکافرین علی المومنین سبیلا»[2] استخراج شده و کاربرد بسیاری در ابواب مختلف فقه مانند عبادات، معاملات و احکام داشت. یکی از مبانی این قاعده، حدیث نبوی مشهوری است که شیخ صدوق در کتاب «من لایحضره الفقیه» از پیامبر اکرم(ص) نقل کرده است که: «الاسلام یعلو و لا یعلی علیه»[3] یعنی اسلام دارای علو و برتری است و هیچ چیز برتر از آن نیست یعنی اسلام موجب علو مقام مسلمان است و نباید تحت سلطه کافر قرار گیرد. این چنین و براساس همین قاعده فقهی، دکترین نفی سلطه بیگانه و خارجی به‌عنوان یک اصل در میان عالمان و روحانیون شیعه شکل‌گرفت و محور مبارزات ضداستعماری آنان را شکل داد. درواقع اگر که شبه‌روشنفکران به‌دلیل وابستگی فکری و تاریخی به غرب و مکاتب فکری آن، هیچ‌گاه نتوانستند به‌طور جدی و پایدار در مسیر مبارزات ضداستعماری ملت ایران قرارگیرند اما روحانیت و علمای اسلام به علت همین قاعده فقهی، مبارزه با استعمارگران را یک وظیفه الهی دانسته و آن را به پیروان و مقلدان‌شان، تکلیف کرده و واجب الهی برمی‌شمردند.

ازهمین‌روست که نگاهی اجمالی به تاریخ حداقل ۱۸۰ سال اخیر نشان می‌دهد که روحانیون و علمای اسلام همواره در صف مقدم مبارزه با استعماگران و اشغالگران و متجاوزان به خاک ایران قرار داشتند، اگرچه همواره متهم بودند که دفاع از وطن و کشور و مرز و بوم را درجه دوم تلقی کرده و اصل را حراست از دین و مذهب برمی‌شمردند اما از آنجا که ایران را کشور صاحب‌الزمان(عج) محسوب می‌کردند، دفاع و نگهبانی از خاک و مرزهای آن را حراست از دین و اسلام به‌شمار می‌آوردند. اما آنان که همواره ادعای یقه‌چاک‌دادن برای وطن داشتند و با شعار «چو ایران نباشد، تن من مباد» گوش فلک را کر می‌کردند، تقریبا در هیچ‌یک از آوردگاه‌ها و میادین نبرد با اشغالگران و متجاوزان و استعمارگران به‌طور جدی یا در خط مقدم حضور نداشته‌اند و به بهانه تجدد و تمدن و پیشرفت، اگر دست همکاری با آن اشغالگران نداده و عمله استعمار نشده بودند، به احتمال زیاد در پستوها و گوشه‌های عزلت، پنهان می‌شدند![4]

از جنگ‌های ایران و روس که نخستین میدان این آزمون بود تا جنگ اول جهانی و هجوم ارتش بریتانیا به خاک میهن و اشغال جنوب، تا مبارزه با قراردادهای استعماری مانند رویتر و رژی، تا مبارزه با دیکتاتور دست‌نشانده‌ای همچون رضاخان، تا به سفارت انگلیس کشاندن مشروطه، تا ایستادگی در برابر متفقین در جنگ دوم جهانی، تا مبارزه با پهلوی دوم و طرح‌های استعماری‌اش مانند انجمن‌های ایالتی و ولایتی و لوایح ششگانه و تا قانون حقارت‌بار کاپیتولاسیون و ... در هیچ‌یک از این عرصه‌های نبرد با بیگانه و اجنبی، نشانی از شبه‌روشنفکر و مدعیان ملی‌گرایی و وطن‌پرستی نبود که برعکس اغلب در جبهه استعمار هم رویت می‌شدند اما این روحانیون و علمای اسلام بودند که در همه این میادین نبرد با استعمار، رنج زندان و حبس و تبعید و شهادت را به خود می‌خریدند[5] تا به تکلیف الهی خویش یعنی دفاع از مملکت امام‌زمان(عج) عمل نمایند.[6]

مرحوم دکتر علی شریعتی در یکی از کنفرانس‌های دانشجویی خود، خطاب به دانشجویان می‌گوید: «... من برای آینده این نهضت، برای بیداری مردم و احیای روح حقیقی اسلام و برانگیختن روح معترض و عدالت‌خواه شیعه علوی و رستگاری جامعه، به طلاب بیشتر از شما امید بسته‌ام؛ چه، عمر روشنفکری شما کوتاه است و چهار تا هفت سال بیشتر نیست و فردا که تصدیق گرفتید و جذب زندگی شدید، بی‌درنگ در طبقه بورژوا قرار می‌گیرید و خیالاتش از سرتان می‌پرد.

اما این طلبه است که عمر مسئولیت اجتماعی‌اش با عمر حیاتش یکی است و تا مرگ، مسئول افکار مردم و سرنوشت مردم می‌ماند...»[7]

---

۱. مراجعه کنید به «مکتوبات و بیانات سیاسی و اجتماعی علمای شیعه». محمد حسن رجبی. چاپ اول – نشر نی

۲. قرآن کریم – سوره نساء – آیه ۱۴۱

۳. من لا یحضره الفقیه. الشیخ الصدوق. جلد ۴ - صفحه ۳۳۴ - ح ۵۷۱۹ و المناقب - ابن شهر آشوب - جلد ۳ - صفحه ۲۴۱ و المحاسن. احمد بن ابی عبدا... برقی - جلد ۱- صفحه ۱۱۳ و بحارالانوار - علامه مجلسی - جلد ۷۶ - صفحه ۷۰

۴. در ادامه این بحث، نمونه‌های متعدد و مصادیق بارز تاریخی از این مدعا را براساس اسناد و شواهد معتبر ملاحظه خواهید فرمود.

۵. ریشه‌های انقلاب – آیت ا... عباسعلی عمید زنجانی

۶. تمامی موارد برشمرده‌شده در ادامه این مطلب با اسناد و شواهد متقن و معتبر تاریخی ارائه خواهند شد.

۷. دکتر علی شریعتی – جلسه پاسخگویی به سؤالات منتقدین – سه‌شنبه ۲۳ آذرماه ۱۳۵۰ مصادف با سالروز شهادت حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام – کتاب مذهب علیه مذهب – مجموعه آثار ۲۲- انتشارات سبز- چاپ اول – خرداد ۱۳۶۱- صفحات ۳۱۳ تا ۳۲۱